

بررسی اثربخشی طرح تسهیلات زن روستایی در شهرستان دماوند

بگانه مریدسادات^۱، علی اسدی^{۲*} و فتح اله صادقی^۳

۱، دانش آموخته کارشناسی ارشد پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران و دستیار علمی دانشگاه پیام نور، واحد باغملک، ۲، ۳، استادیار و کارشناس ارشد پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران (تاریخ دریافت: ۸۵/۸/۱۷ - تاریخ تصویب: ۸۶/۳/۹)

چکیده

با رواج نگرش توسعه پایدار در سال ۱۹۸۰، توجه به زنان در فرآیند توسعه انسانی وارد مرحله جدیدی شد و زنان در مرکز ثقل تعریف‌های توسعه قرار گرفتند. امروزه کشورهای مختلف از جمله ایران جهت بهبود شرایط زنان جامعه اعم از شهری و روستایی برنامه‌های بسیاری را به اجرا در آورده‌اند. در این میان توجه به توانمندسازی زنان روستایی ایران به عنوان نیمی از پیکره جامعه روستایی که حدود ۱۲ میلیون نفر از جمعیت ۲۳ میلیونی روستاهای کشورمان را تشکیل می‌دهند و همواره دوشادوش مردان در فعالیتهای مختلف کشاورزی، دامداری، صیادی، صنایع دستی، مدیریت خانه و تربیت فرزندان و در نتیجه توسعه اقتصادی-اجتماعی روستا و به تبع آن کشور، نقش ایفا می‌کنند امری حتمی است. بر اساس آمار موجود، سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی در کشور ۴۰ درصد است که این رقم بدون احتساب فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری بوده و بیشتر جنبه تولیدی دارد و درآمدی را نصیب خانواده می‌کند. از این رو دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی از سال ۷۸، با هدف توانمندسازی زنان روستایی اقدام به اجرای طرح تسهیلات زن روستایی در کشور نمود. این طرح در سال ۱۳۸۰ در شهرستان دماوند آغاز گردید و پژوهش حاضر جهت بررسی اثربخشی آن در این شهرستان، جهت آشنایی مجریان طرح از میزان دستیابی آن به اهداف و در نتیجه بهبود طرح، انجام گردید. این تحقیق به روش پیمایشی در ۶ روستا از ۱۵ روستای منتخب از ۳ دهستان تحت اجرای طرح انجام پذیرفته که ۱۲۰ نفر از زنان روستایی به عنوان نمونه آماری به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفتند. ابزار تحقیق پرسشنامه بود که پس از اطمینان از روایی و پایایی (ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی اهداف بالاتر از ۰/۷ بود) به روش مصاحبه تکمیل شدند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار آماری S.P.S 11/5 استفاده شد. نتایج تحقیق حاضر حاکی از اثربخشی طرح به میزان ۲۸/۴ درصد از نظر زنان روستایی مورد مطالعه بوده است.

واژه‌های کلیدی: اثربخشی، طرح تسهیلات زن روستایی، توانمندسازی، زنان روستایی.

مقدمه

مدیریت پروژه‌های توسعه روستایی، تسهیلاتی به عنوان کلید طلایی برای ورود به دنیای پایدار و مردم سالارانه محسوب می‌شود (۷).
با گذشت چندین دهه از فعالیت نظام ترویج متداول، مشکلات آن که حاصل برنامه‌ریزی متمرکز-بالا به پایین-

امروزه مداخله‌گریهای مشارکتی به ابزاری معمول برای ایجاد تغییرات اجتماعی و فنی در سطح جهان بدل شده‌اند. اکنون در تمام عرصه‌ها اعم از تحقیق، ترویج و آموزش، به عنوان ارکان اصلی توسعه یا تحلیل و تدوین سیاستها و

از این رو جهت نیل به توسعه پایدار روستایی، لازم است زمینه‌های مناسب برای رشد و تعالی کلیه روستائیان، اعم از زن و مرد از طریق مشارکت همه جانبه در امر مربوط به خودشان فراهم گردد. در همین راستا اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تحقق جامعه مدنی بر مشارکت همه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش تأکید می‌کند. همچنین حقوق همه جانبه افراد، چه زن و چه مرد، و ایجاد امنیت و برابری همه در برابر قانون تصریح شده است. بنابراین برای تحقق این اصل، مشارکت همه افراد جامعه اعم از زن و مرد، شهری و روستایی لازم است (۱۱). در این بین توجه به زنان از اهمیت وافر برخوردار است. طرفداران توسعه انسانی پایدار بر این اعتقادند که، توسعه انسانی پایدار جز از رهگذار برقراری مساوات و برابری بین جنسیت ناممکن است و تا زمانی که زنان در خارج از گردونه توسعه قرار داشته باشند توسعه همچنان ناتوان باقی خواهد ماند (۱). لذا، از سال ۱۹۹۰ زنان به عنوان عامل کلیدی توسعه پایدار مطرح شدند و برابری و توانمندسازی آنها به عنوان رهیافتی کل نگر در جهت ایجاد انگاره و فرآیند نوین توسعه پایدار مدنظر قرار گرفت به طوری که بانک جهانی بر لزوم قرار گرفتن برنامه های زنان به عنوان بعد اساسی برنامه‌های توسعه اجتماعی تأکید نمود (۱۵) و سیاست توانمندسازی زنان، توسط خانم لانگوی، کارشناس توسعه زیمبابوه مطرح و به وسیله صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) برای تعالی زنان به کار گرفته شد (۱). نظر به حضور قاطع زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی روستا و نیز نقش مهم آنها در تربیت کودکان و اداره امور زندگی اهمیت توجه به توانمندسازی آنها بیشتر آشکار می‌شود.

در ایران قشر عظیمی از جامعه که جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر دارند را زنان روستایی تشکیل می‌دهند (۱۳). این زنان نقش گسترده‌ای در انجام فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری ایفا نموده و همچنین امور مربوط به خانه‌داری و تربیت فرزندان را انجام داده و در تولید حدود ۸۰ درصد از مواد غذایی در روستا مشارکت می‌کنند، از سوی دیگر نقش سرپرستی ۳ درصد از خانواده‌های روستایی را برعهده دارند. بنابراین می‌توان گفت که زنان روستایی در تحول جامعه

است بیش از پیش نمود یافته است. در واقع در این نظام که به برقراری یک ارتباط عمودی با بهره‌برداران، با هدف انتقال فنآوری و اطلاعات پرداخته می‌شود، آگاهی از بازخورد و نظرات روستائیان و نیز جوابگویی به نظرات و نیازهای آنان چندان امکان‌پذیر نیست. لذا الگوی بالا - پایین حاکم نمی‌تواند تأمین‌کننده نیازها در مناطق و موقعیت‌های مختلف باشد. بنابراین باید به ارائه راهکارهایی جدید پرداخت که بیشتر بر مشارکت، تسهیلگری و توانمندسازی تأکید می‌کنند. برای تحقق چنین امری، ضروری است مردم به طور فعالتر در فراگرد برنامه‌های ترویجی مشارکت کنند (۹). 'مشارکت' دخالت داشتن و سهیم بودن تمامی مردم در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و منافع کلیه امور منجمله امر اجتماعی مربوط به آن جامعه، تعریف شده است (۸) و در این میان 'تسهیل‌گری' به عنوان شیوه‌ای جهت آسان کردن روند تصمیم‌گیری، چگونه اندیشیدن جهت چگونه رفتن برای بهترین بودن و ارتقاء سطح دانش، بینش و مهارت و ساده کردن فرآیند مشارکت مطرح می‌باشد (۱۲). واژه توانمندسازی^۱ در فرهنگ و بستر «کسب استقلال و خودمختاری اداری یا قدرت قانونی»، توانا شدن و ارتقاء خود واقع‌نگری عنوان گردیده است (۱۷). یونیسف توانمندسازی را فرآیندی دانسته که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آنها در تضمین سرنوشت خود می‌شود (۲). در تعریفی دیگر توانمندسازی دسترسی به اطلاعات، آموزش، منابع، قدرت تصمیم‌گیری، خودمختاری و تسلط بر زندگی خود تعریف شده است (۱۴).

از سوی دیگر، صندوق جمعیت ملل متحد (۲۰۰۶)، پنج مولفه توانمندسازی زنان را داشتن دارایی شخصی، حق انتخاب، دسترسی به منابع و فرصتها، حق و قدرت کنترل زندگی خود در بیرون و داخل منزل و توانایی تاثیر گذاری بر تغییرات اجتماعی جهت ایجاد نظم اجتماعی و اقتصادی ملی و بین‌المللی معرفی نموده است.

بنابراین توانمندسازی و مشارکت لازم و ملزوم یکدیگر بوده به نحوی که مشارکت مردم سبب توانمندی و توانمند شدن آنها موجب افزایش مشارکتشان خواهد بود.

1. Empowerment

می‌نمودند از طرفی مروجین انتصابی، خودشان مایل به انتخاب از سوی مردم بودند و اظهار می‌داشتند که ما چندان برای مردم شناخته شده نیستیم و اگر توسط خود زنان انتخاب شویم، زنان ضمن اعتماد بیشتر و برقراری ارتباط مناسب، از ما حمایت کرده در فعالیت‌ها بیشتر مشارکت خواهند کرد (۶).

جهت رفع این مشکلات و به منظور دستیابی به اهداف فوق‌الذکر، مبنی بر مشارکت دادن زنان روستایی و توانمندی آنها، وزارت جهادکشاورزی به عنوان یکی از برنامه‌ریزان اصلی توسعه روستایی که وظیفه ارتقای وضعیت اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی زنان روستایی و عشایری را برعهده دارد، اقدام به اجرای طرح تسهیلگران زن روستایی نمود و در قالب این طرح به تربیت "زنان تسهیل‌گر روستا" مبادرت گردید. زنان تسهیل‌گر روستا در واقع شکل نوین مروجین محلی می‌باشند که از طریق برگزاری جلسات انتخاباتی، با رای خود زنان روستا انتخاب می‌شوند و سپس با استفاده از سبک‌های تسهیل‌گری اقدام به یادگیری و یاددهی دو سویه می‌نمایند. طرح تسهیلگران زن روستایی در تداوم یک فرآیند ممتد تحقیق و عمل مشارکتی است که در اوایل سال ۱۳۷۷ از فریدن اصفهان شروع شد و ادامه آن از سال ۱۳۷۸، به صورت آزمایشی در میانکوه استان چهارمحال و بختیاری، به اجرا در آمد و سپس در شش استان دیگر کشور گسترش یافت. هدف کلی این طرح "توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی" بود که جهت دستیابی به آن اهداف اختصاصی شامل ارتقاء منزلت اجتماعی، افزایش مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود، ایجاد ارتباط دو سویه بین زنان و کارگزاران دولتی، افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع و فرصت‌های آموزشی، شکستن فرهنگ سکوت در روستا با جلب آراء و نظرات زنان، افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان، میزان فعالیت اجرایی در راستای آموزشهای تسهیل‌گران، دستیابی به عوامل تسریع‌کننده مشارکت و استفاده از دانش بومی زنان روستایی مد نظر قرار گرفت. پس از آن در راستای توسعه طرح در سراسر کشور، این طرح در سال ۱۳۸۰ در ۱۰ استان، سال ۱۳۸۱ در ۱۳

استانی کشور عاملی بنیادی محسوب می‌شوند. از این رو زنان روستایی به عنوان رکن اساسی بخش کشاورزی مطرح بوده و ساختار اجتماعی و اقتصادی خانواده بدون حضور فعال آنان نمی‌تواند پایداری داشته باشد لذا نقش آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی واقعی‌تری انکارناپذیر است (۱۰) و این امر تأکیدی است بر اینکه زنان باید به عنوان یک گروه شاخص در طرحهای توسعه مشارکت داشته و در طرح ریزی، اجرا و ارزشیابی این برنامه‌ها فعالانه سهیم گردند (۳). از این رو سازمان‌ها و نهادهایی که مسئول تمام یا بخشی از وظیفه توانمندسازی زنان در توسعه می‌باشند، بایستی تلاش کنند تا برنامه‌های مداخله‌ای خود را بر اساس نیازها، مشکلات، اولویتها و خواسته‌های زنان روستایی تنظیم نمایند که در این میان ترویج به عنوان محملی برای تلفیق زنان در برنامه‌های توسعه عمل کرده و نقش مهمی در تواناسازی آنان ایفا می‌نماید (۱۸). یکی از راهکارهایی را که این نظام از گذشته تا به حال، جهت تحقق امر مشارکت مردم در برنامه‌های خویش، به کار گرفته، استفاده از مروجین محلی بوده است. بر همین اساس جهادسازندگی سابق، با توجه به ضرورت مشارکت زنان در شناسایی نیازها، موانع و مشکلات مربوط به خودشان و ارائه راه‌حلهای مناسب و اقدام در راستای حل مشکلات و نیازها و همچنین مشارکت در برنامه‌ریزی و ایجاد هسته‌های مرکزی فعال در روستاها، در سال ۱۳۷۴، انتخاب مروجین محلی زن در روستاها را به عنوان یکی از اولویت‌های برنامه‌های امور زنان در نظر گرفت. این مروجین براساس اعلام نظر یک یا دو نفر از رهبران محلی روستا که عمدتاً مردان روستایی بودند، انتخاب و تحت آموزشهای لازم قرار می‌گرفتند. در این روش عملاً خود زنان روستایی نقشی در انتخاب مروج نداشتند. از این رو، مروجینی که توسط دولت انتخاب می‌شدند، برای مردم ناشناخته بودند و کمتر چهره مردمی داشتند. همچنین بیشتر فعالیت‌های آنها، در راستای زمینه‌سازی و کمک به اجرای برنامه‌های دولتی بود و در راستای تسهیل‌گری فعالیت نمی‌کردند. لذا در شناسایی و اعلام نیازها و ارائه راه‌حلهای و اقدام در جهت حل مشکلات از مشارکت مردم، امکانات محلی و دانش بومی کمتر استفاده

11.5، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. روایی^۱ پرسشنامه با استفاده از نظر صاحب نظران دانشگاهی و طراح و مجریان طرح تسهیلگران و همچنین کارشناسان دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی تایید گردید. برای تعیین اعتماد و پایایی^۲ پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که میزان α برای شاخصهای هر هدف در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- مقادیر آلفای کرونباخ پایایی ابزار تحقیق

میزان α		هدف
قبل از	بعد از	
۰/۷۴۶۷	۰/۸۶۳	ارتقاء منزلت اجتماعی
۰/۹۵۳۲	۰/۹۲۹۸	افزایش مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود ...
۰/۹۵۷۷	۰/۹۰۰۱	ایجاد ارتباط دو سویه بین زنان و کارگزاران دولتی
۰/۹۰۹۲	۰/۸۹۹۴	افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع و فرصت‌های آموزشی ...
۰/۸۶۴۵	۰/۹۷۵۱	شکستن فرهنگ سکوت در روستا با جلب آراء نظرات زنان
۰/۹۲۸۲	۰/۹۶۶۵	افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان
۰/۷۲۵۴	۰/۸۷۷۰	میزان فعالیت اجرایی در راستای آموزشهای تسهیل‌گران
۰/۸۲۷۷	۰/۹۰۱۸	دستیابی به عوامل تسریع‌کننده مشارکت...
۰/۹۵۱۶	۰/۹۴۲۱	استفاده از دانش بومی زنان ...

جهت تعیین اثر بخشی طرح، هر یک از اهداف اختصاصی طرح در قالب شاخصهایی عملیاتی شدند، به نحوی که ارتقاء منزلت اجتماعی زنان روستایی با ۱۳ شاخص، افزایش مشارکت زنان و دختران روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود با ۲۱ شاخص، ایجاد ارتباط دوسویه بین زنان روستایی و کارگزاران دولتی با ۱۴ شاخص، افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع و فرصت‌های آموزشی به منظور افزایش برابری اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی با ۱۲ شاخص، شکستن فرهنگ سکوت در روستاها با ۱۰ شاخص، افزایش

استان، سال ۱۳۸۲ در ۴ استان و در سال ۱۳۸۳ در ۵ استان دیگر گسترش یافت. به طوری که تاکنون طرح به صورت ملی در حال اجرا می‌باشد و هنوز یک روند یادگیری و رو به گسترش از سطح محلی تا ملی ادامه دارد. در استان تهران نیز، این طرح از سال ۱۳۸۰، در شهرستان دماوند به مرحله اجرا در آمده است. از آنجا که آگاهی از میزان دستیابی این طرح به اهداف اولیه اش، برای پایه گذاران و مجریان طرح امری ضروری و کمکی در تعیین موفقیت یا عدم موفقیت طرح می‌باشد، لذا هدف تحقیق حاضر، بر پایه بررسی اثربخشی طرح تسهیلگران زن روستایی، به معنای بررسی میزان دستیابی طرح به اهداف از پیش تعیین شده آن، در روستاهای منتخب شهرستان دماوند استوار گردیده است.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی، به لحاظ گردآوری داده‌ها پیمایشی و از نوع تحقیقات ارزشیابی جهت بررسی اثر بخشی طرح تسهیلگران زن روستایی، به معنای میزان دستیابی طرح به اهدافش در شهرستان دماوند از توابع استان تهران می‌باشد. این شهرستان مشتمل بر پنج دهستان بوده که طرح تسهیلگران در ۱۵ روستا با بیش از ۲۰ خانوار، از سه دهستان آن، شامل ابرشویه؛ تارود؛ آبعلی، به اجرا در آمده است. روستاهای مورد مطالعه به لحاظ وضعیت جمعیتی دارای جمعیت بومی، ثابت، روستایی و شکل عمده معیشت آنها کشاورزی و دامپروری بوده است (۵). جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان روستایی ساکن در ۳ دهستان محل اجرای طرح تشکیل داده‌اند که به دلیل گستردگی، اقدام به نمونه‌گیری از بین آنها گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش چند مرحله‌ای تصادفی بوده که براین اساس در نهایت با استفاده از فرمول کوکران ۱۲۰ نفر از جامعه آماری به صورت تصادفی از روستاهای یدره، کلاک، حصار پایین، تمیسیان، آردینه و مشهد انتخاب شدند و با ابزار مورد استفاده در این تحقیق شامل پرسشنامه نیمه باز مورد پرسشگری قرار گرفتند. سوالات پرسشنامه بسته پاسخ و در قالب طیف لیکرت بوده است و در نهایت ۱۱۳ پرسشنامه جمع‌آوری شده، با استفاده از نرم افزار Spss

1. Validity
2. Reliability

تنها ۱ نفر برابر با ۰/۹ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی و مابقی در حد خواندن و نوشتن، راهنمایی و دبیرستان بودند. در نمونه مورد مطالعه حداکثر درآمد سالیانه خانوار ۳۰۰۰۰۰۰ تومان و حداقل آن ۱۰۰۰۰۰ تومان بیان گردید که دارای انحراف معیار معادل ۶۰۰۳۰۸/۵۲۷ و واریانس $E+11$ ۳/۶۰۴ می‌باشد. ۱۹/۵ درصد نمونه مورد مطالعه دارای درآمدی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان و ۱/۸ نیز درآمدی بالاتر از ۲۰ میلیون تومان داشتند. ضمناً ۴۶ درصد نمونه از پاسخ دادن به این سؤال امتناع ورزیدند.

مطابق جدول ۲، ۹۳/۸ درصد از نمونه مورد مطالعه شغل اصلی خانه‌داری داشته در کنار آن در دیگر مشاغل عنوان شده فعالیت داشته‌اند.

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود در بین نمونه مورد مطالعه تنها یک نفر معلم و یک نفر به شغل بهداشتی مشغول بودند. سایر مشاغل عنوان شده گلیم‌بافی، زنبورداری، آرایشگری، معلم سفالگری، رشته‌بری و مرصع‌کاری بوده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه برحسب نوع شغل

نوع شغل	فراوانی	درصد
دامداری	۱۵	۱۳/۳
کشاورزی	۲۵	۲۲/۱
خانه‌داری	۱۰۶	۹۳/۸
قالیبافی	۱۲	۱۰/۶
معلم	۱	۰/۹
بهداشتیار	۱	۰/۹
محصل	۴	۳/۵
سایر مشاغل	۱۰	۸/۸

شایان ذکر است که تنها ۴ درصد از نمونه مورد مطالعه تسهیلگر بوده و بقیه زنان روستایی تحت پوشش طرح بوده‌اند که از برنامه‌های مختلف طرح تسهیلگران بهره‌مند بودند.

ب- آمار استنباطی

نتایج حاصل از آزمون ویلکاکسون جهت بررسی تفاوت ایجاد شده حاصل از اجرای طرح بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار در سطح ۹۹٪ برای اکثر شاخصها بوده است. به

خودباوری و اعتماد به نفس زنان با ۱۲ شاخص، به عمل در آوردن آموزشها با ۹ شاخص، دستیابی به عوامل تسریع‌کننده مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی با ۱۲ شاخص و استفاده از دانش بومی زنان روستایی با ۷ شاخص تعیین و مورد پرسشگری قرار گرفتند و سپس جهت تعیین میزان اثربخشی طرح به معنای میزان دستیابی طرح به اهداف برحسب درصد، از فرمول زیر استفاده گردید.

$$E = \frac{\text{تعداد گویه‌ها - مجموع رتبه‌پاسخ‌های بیان شده توسط هر فرد به شاخص‌های هر هدف}}{\text{تعداد گویه‌ها}}$$

مطابق فرمول، جهت تعیین میزان اثربخشی طرح، ابتدا، میزان اثربخشی هر هدف از نظر هر پاسخگو مشخص می‌گردد. پس از آن وارد مرحله دوم شده با جمع کلیه نتایج حاصل از فرمول و سپس تقسیم آن به تعداد کل پاسخگویان اثربخشی طرح برای هر هدف حاصل می‌شود. برای تعیین میزان اثربخشی در هر روستا برای هر هدف، نتایج حاصل از فرمول اول را در هر روستا جمع‌آوری و به تعداد پاسخگویان تقسیم کرده تا میزان دستیابی به اهداف برحسب درصد مشخص شود.

از سوی دیگر براساس الگوی یک گروه-دو زمان وضعیت شاخصها در قبل و بعد از اجرای طرح مورد پرسش قرار گرفت و تفاوت حاصل از انجام طرح، قبل و بعد از اجرای آن، از طریق آزمون ویلکاکسون بررسی گردید.

نتایج و بحث

الف- آمار توصیفی

ویژگیهای فردی پاسخگویان

میانگین سن جمعیت مورد مطالعه ۳۶ سال و بیشترین فراوانی به گروه سنی ۴۰-۳۱ سال (۳۶/۳ درصد) و کمترین فراوانی به گروه سنی بالای ۶۰ سال (۷/۱ درصد) تعلق داشت. ۶۸/۱ درصد نمونه مورد مطالعه متأهل، ۲۳ درصد مجرد و ۸/۸ درصد آنها نیز بیوه بودند.

در میان زنان مورد مطالعه ۴۹ نفر معادل ۴۳/۴ درصد (بیشترین فراوانی) دارای سطح تحصیلاتی در حد ابتدایی و

عبارت دیگر طرح مذکور در دستیابی به اکثر شاخصهای تعیین شده برای اهداف موفق بوده است. در این بین، از نظر زنان مورد مطالعه طرح حاضر نتوانسته تفاوت معنی‌داری در زمینه تاثیر بر پدریا برادر و همسر بر تصمیم‌گیری دختران و زنان روستایی ایجاد نماید.

جهت بررسی تفاوت ایجاد شده در وضعیت قبل و پس از اجرای طرح در روستاهای موردنظر در خصوص هر یک از اهداف، از آزمون t همبسته استفاده شد و نتایج حاصله بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار در سطح ۹۹٪ برای کلیه اهداف طرح بود. به این معنا که طرح حاضر قادر به ایجاد تفاوتی معنی‌دار در شرایط مختلف منظور نظر طرح بعد از اجرای آن بوده است (جدول ۳).

میزان اثربخشی طرح تسهیل‌گران یا به عبارت دیگر میزان دستیابی طرح به اهداف از پیش تعیین شده، از دیدگاه زنان روستایی مورد مطالعه، برای هر هدف در هر یک از روستاهای انتخاب شده در جدول (۴) آمده است. بر این اساس طرح حاضر، در زمینه ارتقاء منزلت اجتماعی زنان در روستای تمیسیان به میزان ۴۹/۶ درصد بیشترین و روستای کلاک معادل ۳۰/۲ کمترین میزان دستیابی به این هدف را داشته است. در دستیابی به هدف افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای مربوط به خود روستای تمیسیان بالاترین میزان (۵۳/۴ درصد) و مشهد کمترین میزان (۱۲/۵ درصد) دستیابی را داشته است، بیشترین میزان اثر بخشی طرح در خصوص هدف ایجاد ارتباط دو

سویه با کارگزاران دولتی در روستای حصار پایین (۳۶/۹ درصد) و کمترین آن در روستای مشهد (۵/۵ درصد) بوده است. طرح حاضر در راستای دستیابی به هدف افزایش دسترسی به منابع و فرصت‌های آموزشی بالاترین اثربخشی را در روستای حصار پایین (۴۵/۸ درصد) و پایین‌ترین حد اثربخشی را در تمیسیان (۴/۲ درصد) داشته است. بیشترین اثربخشی طرح در زمینه شکستن فرهنگ سکوت زنان روستایی به میزان ۵۳/۴ درصد در روستای تمیسیان و کمترین آن ۲۲/۸ درصد در روستای مشهد بوده است. در خصوص افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان روستایی، بیشترین اثر بخشی طرح ۶۷ درصد در روستای تمیسیان و کمترین میزان اثربخشی معادل ۵/۲ درصد مربوط به روستای حصار پایین بوده است. به همین ترتیب طرح حاضر تنها به میزان ۱/۴ درصد به هدف استفاده از دانش بومی زنان روستایی در روستای مشهد و ۲۵/۵ درصد نیز در روستای آردینه دست یافته است. در رابطه با هدف انجام فعالیتهای اجرایی در راستای آموزشهای تسهیلگران زنان روستای حصارپایین بر اساس آموزشهای دریافت شده از سوی تسهیلگر بیشترین فعالیت اجرایی (۴۵/۱ درصد) و روستای مشهد (۷/۳ درصد) کمترین فعالیت را داشته‌اند. در نهایت اثربخشی طرح در خصوص امکان دستیابی زنان به عوامل تسریع‌کننده مشارکت در روستای حصار پایین بالاترین مقدار (۳۳ درصد) و در مشهد به میزان ۳/۳ درصد کمترین میزان را داشته است.

جدول ۳- مقایسه میانگین وضعیت هریک از اهداف قبل و بعد از اجرای طرح تسهیلگران

اهداف طرح	t	سطح معنی‌داری
ارتقاء منزلت اجتماعی زنان	-۱۰/۰۱۱	.000**
افزایش مشارکت زنان و دختران روستایی در تصمیم‌گیریهای مربوط به خود جهت نیل به توسعه انسانی در برنامه‌های توسعه روستایی	-۱۱/۶۱۷	.000**
ایجاد ارتباط دوسویه بین زنان و کارگزاران روستایی	-۶/۴۵۹	.000**
افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع و فرصت‌های آموزشی به منظور افزایش برابری اقتصادی-اجتماعی-سیاسی و فرهنگی	-۱۱/۵۳۲	.000**
شکستن فرهنگ سکوت در روستاها	-۱۲/۰۱۲	.000**
افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان	-۱۲/۷۷۹	.000**
فعالیت‌های اجرایی در راستای آموزشهای تسهیلگران	-۹/۳۹۶	.000**
دستیابی به عوامل تسریع‌کننده مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی	-۷/۴۸۲	.000**
استفاده از دانش بومی زنان روستایی برای توسعه ملی در ابعاد مختلف اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی	-۵/۵۷۶	.000**

جدول ۴- میزان درصد دستیابی طرح تسهیلگران به هر یک از اهداف از قبل تعیین شده آن در هریک از روستاهای مورد مطالعه

هدف	نام روستا	پدره	کلاک	حصار پایین	تمیسیان	آردینه	مشهد
ارتقاء منزلت اجتماعی زنان		۲۵/۶	۳۰/۲	۴۲/۳	۴۹/۶	۳۷/۰	۳۲/۴
افزایش مشارکت در تصمیم گیری ...		۲۴/۷	۱۲/۷	۴۴/۹	۵۳/۴	۳۴/۳	۱۲/۵
ایجاد ارتباط دو سویه با کارگزاران دولتی		۲۱/۸	۱۲/۴	۳۶/۹	۹/۰	۱۴/۷	۵/۵
افزایش دسترسی به منابع و فرصت‌های آموزشی		۴۱/۴	۱۴/۱	۴۵/۸	۴/۲	۳۲	۱۲/۵
شکستن فرهنگ سکوت زنان روستایی		۳۸/۷	۲۶/۳	۴۳/۵	۵۳/۴	۴۶	۲۲/۸
افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان		۶۴/۴	۳۸/۵	۵/۲	۶۷	۵۹/۵	۴۰/۱
میزان فعالیت انجام شده براساس آموزشهای تسهیلگران		۱۶/۷	۱۴/۲	۴۵/۱	۴۳/۴	۱۷/۶	۷/۳
دستیابی به عوامل تسریع کننده مشارکت		۶/۸	۴/۶	۳۳/۰	۲۵/۸	۱۵/۳	۳/۳
استفاده از دانش بومی زنان		۲/۶	۵/۱	۲۹/۲	۶/۳	۲۵/۵	۱/۴

جدول ۶- میزان دستیابی طرح به اهداف خود در هر روستا

نام روستا	پدره	کلاک	حصار پایین	تمیسیان	آردینه	مشهد
میزان دستیابی طرح به اهداف	۲۸/۱	۱۷/۶	۳۱/۷	۳۴/۷	۲۹/۱	۱۵/۴

بر این اساس می‌توان بیان داشت که میزان اثربخشی نهایی طرح از دیدگاه زنان روستایی مورد مطالعه، ۲۸/۴ درصد بوده است.

نتیجه گیری، بحث و پیشنهادها

یکی از نکات مهم در طراحی و اجرای برنامه های توسعه، توجه به بعد ارزشیابی و اثربخشی آنهاست چرا که بدون بررسی میزان دستیابی به اهداف نمی‌توان از میزان موفقیت برنامه‌ها آگاهی داشت. در این تحقیق ۹ هدف اختصاصی طرح تسهیلگران زن روستایی در قالب ۱۱۰ شاخص مدنظر قرار گرفت و نتایج نشانگر آن بود که طرح تسهیلگران توانسته در تمام شاخصها به غیر از دو شاخص، نسبت به شرایط قبل از اجرای طرح، تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۹٪ را نشان دهد، منتها میزان اثر بخشی و دستیابی طرح به هدف "افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان" در حد ۵۲/۱ درصد بیشترین میزان و هدف "استفاده از دانش بومی زنان" در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی روستا در حد ۱۱/۲ درصد کمترین میزان بوده است. در مجموع میزان اثربخشی طرح حاضر در شهرستان دماوند ۲۸/۴

جدول ۵ میزان دستیابی طرح تسهیلگران به هر یک از اهداف خود در شهرستان دماوند را نشان می‌دهد. مطابق جدول مزبور، طرح حاضر در افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان روستایی به میزان ۵۲/۱ درصد بیشترین اثربخشی و از نظر استفاده از دانش بومی زنان روستایی به میزان ۱۱/۲ درصد کمترین اثربخشی را داشته است.

جدول ۵- میزان دستیابی طرح تسهیلگران به هر یک از اهداف خود

هدف	میزان دستیابی به هدف (درصد)
ارتقاء منزلت اجتماعی زنان	۲۶/۵
افزایش مشارکت در تصمیم گیری ...	۳۰/۱
ایجاد ارتباط دو سویه با کارگزاران دولتی	۱۶/۲
افزایش دسترسی به منابع و فرصت‌های آموزشی	۳۰
شکستن فرهنگ سکوت زنان روستایی	۳۷/۴
افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان	۵۲/۱
میزان فعالیت اجرایی در راستای آموزش تسهیلگران	۲۴/۶
دستیابی به عوامل تسریع کننده مشارکت	۱۵/۲
استفاده از دانش بومی زنان	۱۱/۲

همانگونه که در جدول ۶ مشاهده میشود طرح مذکور در روستای تمیسیان به میزان ۳۴/۷ درصد بیشترین میزان دسترسی به اهداف و روستای مشهد معادل ۱۵/۴ درصد، کمترین میزان دستیابی به اهداف را داشته است.

شود پیشنهاد می گردد که آموزشهایی در راستای کاهش فرهنگ مردسالاری در جامعه و بیان جایگاه و اهمیت زنان بویژه برای مردان روستایی، تدارک دیده شود تا از این طرق دستیابی به هدف ارتقا منزلت اجتماعی زنان تسهیل گردد. با توجه به جوان بودن افراد مورد مطالعه و سطح سواد پایین آنها، ایجاد امکانات تحصیلی در محل زندگی یا امکان رفت و آمد مطمئن دختران به شهر جهت ادامه تحصیل به عنوان امری ضروری و زیربنایی در توسعه روستایی پیشنهاد می شود.

با توجه به سطح پایین درآمد و در نتیجه مشکلات مالی پیش روی زنان، که از سوی آنها به عنوان یکی از موانع مشارکت آنها در برنامه های مرتبط با اهداف طرح نظیر عضویت در فعالیتهای مشارکتی روستا نظیر صندوقهای قرض الحسنه و اعتبارات خرد مطرح شد توصیه می گردد تمهیدات قانونی جهت حمایت از زنان روستایی در کسب اعتبارات اندیشیده شود، ارایه آموزشهایی که منجر به درآمدزایی گردد نیز در این زمینه مناسب به نظر می رسد. البته نکته مهم در ارایه این آموزشها مد نظر قرار دادن حمایتهای بازاریابی و بازررسانی و آموزشهای مرتبط با این مهم به زنان روستایی می باشد. برگزاری نمایشگاههای دوره ای برای فروش محصولات تولیدی زنان روستایی که به دلیل محدودیتهای فرهنگی امکان حضور شخصی در بازارها را ندارند به عنوان خدمتی از سوی ترویج می تواند موثر باشد.

درصد برآورد گردید و این امر بیانگر آن است که طرح حاضر نتوانسته به نحو مطلوبی به اهداف خود در این شهرستان دست پیدا کند. این در حالیست که نتایج مطالعات صورت گرفته در خصوص طرح تسهیلات در آذربایجان غربی، توسط بنکدار (۱۳۸۲)، اثربخشی طرح را ۶۹ درصد تعیین نموده است. همچنین در بررسی تفاوتهای حاصل از اجرای طرح حاضر مشخص شد که در تمامی شاخصها به جز تاثیرگذاری پدر، برادر و همسر بر تصمیمات زنان، بقیه شاخصها تفاوت معنی داری را نشان داده اند در همین رابطه در مطالعه احمدی (۱۳۸۲)، میانگین میزان اطلاعات، نگرش، ارتباطات، دسترسی، اختیار، رفاه، دیدگاه، آرزو، مشارکت زنان روستایی بین دو گروه گواه و آزمایش تفاوت معنی داری نداشته اند. از آنجا که هدف طرح حاضر برپایه میزان اثر بخشی طرح تسهیلات استوار بوده و نتایج حاصله موفقیت اندک آن در این شهرستان را نشان می دهد لزوم بررسی علل و عوامل موثر بر این عدم موفقیت به عنوان پیشنهادی برای مجریان طرح مطرح بوده تا در نهایت با شناخت و اجرای تمهیداتی جهت رفع آن طرح را به سوی اثر بخشی هرچه بیشتر رهنمون سازند. همچنین مطالعه نحوه اجرا، علل موفقیت یا شکست این طرح در سایر استانها برای مجریان طرح جهت یافتن راهکارهای بهتر در اجرای آن لازم به نظر می رسد. از سوی دیگر با توجه به اینکه طرح حاضر در این شهرستان نتوانسته در کاهش تاثیرگذاری پدر، برادر و همسر بر تصمیمات زنان موثر واقع

REFERENCES

منابع مورد استفاده

۱. احمدی، م. ر. و همکاران. ۱۳۸۲. میزان تغییرات ایجاد شده در وضعیت جامعه زنان روستایی به وسیله تسهیل گران زن در استان مرکزی شهرستان خمین - دهستان چهارچشمه. مدیریت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی، گروه تحقیق و بررسی مسائل روستایی.
۲. بنکدار، ط. ۱۳۸۲. سنجش اثربخشی عملکرد و فعالیتهای مروجین دوشویه زن روستایی از دید بهره برداران استان آذربایجان غربی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
۳. حسینی نیا، غ. و ا. ملک محمدی. ۱۳۷۷. بررسی نگرش زنان روستایی نسبت به فعالیتهای کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، محیط روستا و برنامه های آموزشی-ترویجی. مجله جهاد، سال نوزدهم، شماره ۲۲۱-۲۲۰.
۴. خبرگزاری کار ایران. (۱۳۸۵).

<http://www.ilna.ir/print.asp?code=360031&code1=17>

۵. سازمان جهادکشاورزی استان تهران، مدیریت ترویج و مشارکت مردمی. ۱۳۸۱. طرح بازننگری مروجین دوسویه در استان تهران (فاز اول) گزارش مراحل اجرایی طرح.
۶. شعبانعلی فمی، ح. ۱۳۸۱. طرح مطالعاتی نیازهای آموزشی زنان روستایی ایران، پروژه هفتم، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره برداری.
۷. شعبانعلی فمی، ح. و همکاران. ۱۳۸۳. رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج روستایی. تهران: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
۸. غلامرضایی، س. ۱۳۷۶. موانع وجود در جریان مشارکت اجتماعی دختران روستایی و برخی راه حل‌های آن. مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی. کردستان - سنندج. ناشر: یونسف و جهادسازندگی.
۹. کمالی، م. ب. ۱۳۸۳. طرح مطالعاتی الگوبندی تسهیل ارتباط دوسویه مروجین زن روستایی، دهستان میانکوه - اردل. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهادکشاورزی. دفتر امور زنان روستایی و عشایری.
۱۰. مافی، ف. و ف. موسوی. ۱۳۸۳. روزانه‌ای به تلاش سبز، گزارش فعالیت‌های دفتر امور زنان روستایی در سال‌های ۸۱-۸۲. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر امور زنان روستایی.
۱۱. محمدخان تهرانی، م. ۱۳۸۲. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ترویج و توسعه روستایی. مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره).
۱۲. مدیریت ترویج و مشارکت مردمی استان خراسان. ۱۳۷۹. گزارش استانی طرح زنان تسهیل‌گر توسعه روستایی خراسان. دفتر امور زنان روستایی، گروه بررسی و تدوین برنامه‌های راهبردی.
۱۳. وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی، دفتر امور زنان روستایی و عشایری. ۱۳۸۰. گزارش فعالیتها از آغاز تا کنون

14. Anonymous.(2005). Women's Empowerment
<http://www.pakistan.gov.pk/divisions/planninganddevelopment-division/MTDF/12-Women%20Empowerment/12-women%20Empowerment.pdf>
15. Handy, Femida and Meenaz Kassamb.(2004). Women's empowerment in rural India. Paper presented at the ISTR conference, Toronto Canada .
<http://www.istr.org/conferences/toronto/workingpapers/handy.femida.pdf>
16. UN Population Fund (UNFPA).(2006). Guidelines on Women's Empowerment.
<http://www.un.org/popin/unfpa/taskforce/guide/iatfwemp.gdl.html>
17. Websterdictionary.(2006).
<http://www.webster.com/dictionary/empowerment>
18. Rivera, W. M and Corning . S. L. (1990). Empowering women through Agricultural Extension: a Global Perspective, Journal of extension. Winter 1990, Volume 28 Number 4
<http://www.joe.org/joe/1990winter/a9.html>